

Investigating the components influencing the change of Iran's political-defense approach towards the Taliban in Afghanistan

Reza Parizad ¹
Toktam Shahrestani ²

Abstract

Afghanistan is one of Iran's eastern neighbors that has experienced a long and difficult period of unrest in recent decades. In 2021, Afghanistan's provinces fell one after another under pressure from Taliban fighters until Kabul fell in mid-August. In fact, with the withdrawal of the United States from Afghanistan and the creation of new conditions in Afghanistan, the question that comes to mind is what are the factors influencing Iran's political-defense approach to the Afghan Taliban, given Afghanistan's neighborhood with Iran? The research hypothesis is based on the fact that components such as national interests and security (in the domestic sphere), the realities of the international system (in the international sphere) and the change in the Taliban method (in the foreign sphere) in Iran's approach to the Taliban Has been effective.

Keywords: Afghanistan, Iran, Taliban, constructivism, foreign policy

¹ Assistant Professor of Political Department, Qom Azad University. Iran.

R_Parizad@yahoo.com

² PhD student in Sociology, Qom Azad University.

Shahrestanit@gmail.com

بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تغییر رویکرد سیاسی-دفاعی ایران در قبال گروه طالبان در افغانستان

رضا پریزاد^۱

تکتم شهرستانی^۲

چکیده

افغانستان یکی از همسایه‌های شرقی ایران است که در دهه‌های گذشته، دوره‌ای طولانی و سخت از نابسامانی و بی‌ثباتی را تجربه کرده است در سال ۲۰۲۱ ولایت‌های افغانستان تحت فشار نیروهای جنگنده طالبان یکی پس از دیگری سقوط کردند تا اینکه به سقوط کابل در نیمه اوت رسید. در واقع، با خروج آمریکا از افغانستان و ایجاد شرایط جدید در افغانستان در این میان سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که با توجه به همسایگی افغانستان با ایران مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رویکرد سیاسی-دفاعی ایران در قبال گروه طالبان افغانستان چیست؟ فرضیه‌ی پژوهش بر این اساس مبتنی است که مؤلفه‌هایی چون منافع و امنیت ملی (در حوزه‌ی داخلی)، واقعیت‌های نظام بین‌الملل (در حوزه‌ی بین‌الملل) و تغییر روش طالبان (در حوزه‌ی خارجی) در رویکرد ایران نسبت به گروه طالبان مؤثر بوده است.

واژگان کلیدی: افغانستان، ایران، طالبان، سازه‌انگاری، سیاست خارجی

^۱ استادیار علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده‌ی مسئول)

R_Parizad@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

مقدمه

کشور افغانستان به عنوان یکی از کشورهای اسلامی، به دلایل گوناگون نقش بسیار جدی در عرصه‌ی جغرافیای جهان اسلام و تحولات جهانی بازی کرده است. ساختار موزاییکی این کشور، آن را با چالش‌ها و کشمکش‌های قومی و گرایش‌های تجزیه طلبانه، استقلال خواهانه و خودمختاری طلبانه مواجه کرده است. قدرت‌های مداخله گر جهانی و منطقه‌ای و نیز مناطق هم‌جوار ممکن است با بهره‌گیری از این شکاف‌ها، تنش‌ها و گرایش‌های جدایی طلبانه در پی دخالت و اعمال نفوذ در افغانستان برآیند و ثبات و امنیت در این کشور را مختل سازند (سجادی، ۲۰۸:۱۳۸۸). چنانچه طالبان که عمدتاً شبه‌نظامیان پشتون تحت حمایت پاکستان را تشکیل می‌دادند، از دل همین شکاف‌ها و تعارضات سر برآوردند (فرزین نیا، ۱۳۸۳:۷۴). هسته‌ی اصلی طالبان که از میان مهاجران افغان مقیم پاکستان در ایالات بلوچستان تشکیل می‌شد، در ۱۹۹۴ اعلام موجودیت کرد. تا سال ۲۰۰۱ طالبان بر ۸۰ تا ۹۰ درصد خاک افغانستان تسلط پیدا کرده بود ولی با حمله‌ی ایالات متحده‌ی امریکا و متحدانش بعد از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر از پای درآمد (علی‌آبادی، ۴۸۱:۱۳۹۵) و اینک مجدداً در حال به دست‌گیری قدرت مطلق در افغانستان است.

ایران به خاطر داشتن مرزهای مشترک عقیدتی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی با این کشور همواره حوادث و تحولات آن را از زوایای گوناگون مورد توجه و کاوش قرار داده است (سجادی، ۱۵:۱۳۸۸). لزوم توجه به معنای کلیدواژه‌ی رویکرد-با توجه به رویکردهای متفاوت ایران در قبال طالبان-ما را بران می‌دارد که به ایضاح این کلمه بپردازیم. رویکرد یعنی دیدگاه، عقیده، مکتب، نظر، طرز فکر، نظریه. رویکردها انواع مختلفی دارند که هر کدام از زاویه‌ی خاص به پدیده می‌نگرند. در واقع هر رویکرد ما را متوجه نتیجه و عامل یک تفکر و عمل می‌کند و لذا می‌تواند قابل تغییر باشد (همبالی آموزشی ۹/۹/۹۲). در این میان سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که با توجه به همسایگی افغانستان با ایران چه مؤلفه‌هایی بر رویکرد سیاسی-دفاعی ایران در قبال گروه طالبان افغانستان تأثیرگذار است؟ فرضیه‌ی پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده

اینست که مؤلفه‌هایی چون منافع و امنیت ملی (در حوزه‌ی داخلی)، واقعیت‌های نظام بین‌الملل (در حوزه‌ی بین‌الملل) و تغییر روش طالبان (در حوزه‌ی خارجی) در رویکرد ایران نسبت به گروه طالبان مؤثر بوده است. از آنجاکه افکار عمومی نقش عمده‌ای در استقرار نظام جمهوری ایفا می‌کنند و چرخش سیاست‌ها بدون توجه به نقش افکار عمومی و اقناع آن‌ها، صدمات جبران‌ناپذیری را متحمل نظام می‌کند، لذا لزوم توجه به این امر را می‌توان از اهداف مقاله‌ی حاضر برشمرد.

مروری بر مطالعات انجام‌شده در حوزه‌ی طالبان افغانستان بیانگر خلأ اطلاعاتی در خصوص عنوان موردبحث است. کتاب جامعه و فرهنگ افغانستان با تأکید بر مشترکات و شباهت‌های فرهنگی، زبانی، دینی و مذهبی و... ایران و افغانستان، نگاهی فرهنگی به جامعه‌ی افغان دارد. کتاب نگرشی نو بر نقش‌آفرینی عوامل ژئوپلیتیکی افغانستان از زاویه‌ی ژئوپلیتیک جامعه و جغرافیای افغانستان را بررسی می‌کند. کتاب طالبان نوشته‌ی غلامعلی صفاری به اهمیت شناخت طالبان با توجه به مبانی فکری آن‌ها و تحولات جهانی توجه دارد و به بررسی روند قدرت‌یابی، فرصت‌ها و چالش‌های طالبان می‌پردازد. مسیح ارزگانی در کتاب افغانستان رنگین کمان اقوام در تحقیق جامع و کاملی به بررسی اقوام مختلف و دلایل و عوامل تحول فرهنگی و قومی در افغانستان پرداخته است. تمامی کتب فوق هر کدام از زاویه‌ای خاص به مبحث افغانستان و طالبان می‌پردازد ولی از آنجایی که عنوان موردبحث موضوعی نو و بدیع است، افاقه‌ی مطلب را نمی‌کنند. کتبی که در باب تغییر رویکرد سیاسی - دفاعی ایران مورد مذاقه قرار گرفت عبارت‌اند از:

کتاب امنیت بین‌الملل فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ج.ا.ا را در خصوص افغانستان بیان می‌کند ولی این کتاب که در سال ۸۴ به زیور طبع آراسته شده است حاوی مطالبی تاریخی و قدیمی است و ارتباط آن با موضوع موردبحث جای تأمل دارد. در کتاب چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی ج.ا.ا تألیف پروفیسور رضانی و سیاست خارجی ج.ا.ا تألیف دکتر ازغندی ما با مؤلفه‌های تأثیرگذار در خصوص تغییر سیاست‌ها مواجه می‌شویم که منافع ملی و تأمین امنیت از مهم‌ترین آن‌هاست.

چارچوب نظری

رنالیسم، لیبرالیسم و سازه‌انگاری از نظریه‌های مشهور روابط بین‌الملل هستند. واقع‌گرایان با تأکید بر دولت‌محوری، بقا و خودیاری نگاهی خرد به روابط بین‌الملل دارند و لیبرالیسم‌ها با تأکید بر نقش سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی متوجه ساختار نظام بین‌الملل هستند و سازه‌انگاران به تعبیر گیدنز راه‌سومی در خصوص مسئله‌ی ساختار - کارگزار هستند (حقیقت، ۱۳۹۸: ۴۸۱) هرچند در بین سازه‌انگاران اجماع کاملی در خصوص مفروضات این پارادایم حاصل نشده است ولی با اندکی تسامح می‌توان گزاره‌ها و مفروضات مشترکی را از دیدگاه‌های متفاوت آن‌ها استحصال کرد:

۱- محیط جهانی تنها به عوامل مادی محدود نمی‌شود، بلکه فاکتورهای فکری و هنجاری نیز اهمیت دارند؛

۲- خصوصیات دولت‌ها نتیجه‌ی تعاملات آن‌ها است و دولت‌ها به دلیل پویا بودن، دارای صفات ذاتی و از پیش تعیین شده نمی‌باشند؛

۳- منافع و هویت‌ها امری از پیش داده نمی‌باشند، بلکه نتیجه‌ی تعامل اجتماعی و مسئله‌ای در حال تغییر هستند؛

۴- هویت‌های دولتی از طریق رویه‌های پیچیده و متداخل تاریخی (باز) قوام می‌یابند؛

۵- انواع تعامل عبارت‌اند از: مذاکرات/چانه‌زنی، بحث و استدلال و ارتباط همگانی با روش‌هایی همچون علامت‌ها و سخنرانی‌ها؛

۶- تصمیم‌گیری در امور جهانی در سه سطح صورت می‌گیرد: نهادهای رسمی مثل رژیم‌های امنیتی، فرهنگ سیاسی جهانی (حکومت قانون، قواعد و هنجارها) و فاکتورهای انگاره‌ای همانند الگوهای دوستی و دشمنی؛

۷- تصمیم‌گیری کنش‌گران در روابط بین‌الملل مبتنی بر نقش و تصورشان از جهان است؛

۸- تمایز میان سیاست داخلی و بین‌المللی امری موقت و ناپایدار است؛

۹- سازه‌انگاری در مقابل دیدگاه فردگرایانه قرار دارد؛

۱۰- ساختارهای هنجاری و فکری به‌اندازه‌ی ساختارهای مادی دارای اهمیت می‌باشند؛

۱۱- هویت‌ها و هنجارها در شکل‌گیری منافع و کنش‌ها نقش تعیین‌کننده دارند؛

۱۲- ساختار و کارگزار متقابلاً به هم‌شکل می‌دهند (همان: ۴۸۸)

بعد از بیان مؤلفه‌های مورد اجماع دیدگاه سازه‌انگاری، حال به بررسی چگونگی استفاده از این چارچوب نظری در جهت استحکام موضوع مورد بحث می‌پردازیم. تأکید بر محیط جهانی و تکیه بر فاکتورهای فکری و هنجاری در کنار عوامل مادی از مفروضات دیدگاه سازه‌انگاری است که در کمک به موضوع مورد بحث مورد استفاده قرار گرفته است.

ساختار نظام بین‌الملل نقش عمده‌ای را در اتخاذ سیاست‌های کشورها ایفا می‌کند. هرگونه تغییری در محیط بین‌الملل می‌تواند به تغییر در سیاست کشورها منجر شود. این مؤلفه‌ی چارچوب سازه‌انگاری از این جهت مورد توجه بحث مورد نظر قرار گرفته است که در مورد مطالعه‌ی اخیر با خروج امریکا از افغانستان نظم منطقه دستخوش تغییر و تحول می‌شود و از آنجاکه یکی از مؤلفه‌های رفتاری ایران به جهت موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن در منطقه ایفای نقش بزرگ‌تر است لذا ایران از این خلأ حضور امریکا که منجر به تغییر معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای می‌شود سود می‌جوید و سیاست خصمانه‌ی سابق با طالبان را جایگزین سیاست توجه به مصالح بزرگ‌تر می‌نماید.

توجه سازه‌انگاری به این مطلب که منافع و هویت‌ها امری از پیش داده نمی‌باشند، بلکه نتیجه‌ی تعامل اجتماعی و مسئله‌ای در حال تغییر هستند در جهت اثبات مدعای مقاله به کار می‌رود که یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر تغییر چرخش مؤلفه‌های سیاسی دفاعی ایران در قبال گروه طالبان را منافع جمهوری اسلامی و لزوم تأمین آن در هر شرایطی و با هر ابزاری می‌داند. منافعی که امروز به گونه‌ای و فردا به نحوی دیگر تعریف می‌شوند و قابلیت تغییر و تحول را دارند.

انواع تعاملی که دیدگاه سازه‌انگاری از آن یاد می‌کند و تأکیدی که این دیدگاه در تأثیرگذاری متقابل ساختار و کارگزار دارد، از مشخصات دیگر موضوع مورد بحث و تأیید این مطلب است که برای استحکام کار، وجوه مشترک دیدگاه سازه‌انگاری در خدمت مقاله‌ی مورد بحث و در راستای تأیید آن به استخدام گرفته شده است و موضوع مورد بحث

به گونه ای نظری بر آن تکیه کرده است. تأکیدی که دیدگاه سازه‌انگاری بر تعامل ساختار و کارگزار دارد، در مقاله‌ی موردنظر مورد توجه قرار گرفته است. ایران و طالبان هر دو از کارگزاران نظام بین‌الملل هستند که هرگونه تغییری در ساختار به تغییر در واکنش‌ها و سیاست‌های آن‌ها منجر می‌شود. چنانچه در مورد طالبان ما شاهد تغییر رفتار ظاهری آن‌ها مبنی بر لزوم توجهشان به واقعیت‌های بین‌المللی و نقش مهم ساختار و لزوم تعامل با بازیگران منطقه‌ای هستیم همان‌گونه که سخنگوی آن‌ها، طالبان را بی‌نیاز از کشورهای منطقه و به‌خصوص همسایه نمی‌بیند و بر لزوم ارتباط با کشورها اصرار می‌ورزد.

توجه سازه‌انگاری به پویا بودن دولت‌ها بار دیگر ما را به مؤلفه‌ی دیگران که منافع و هویت‌ها امری از پیش تعیین شده نیستند، رهنمود می‌گردد و بر این نکته صحه می‌گذارد که در مورد دو کارگزار ایران و طالبان منافع امروز به گونه‌ای و فردا به گونه‌ی دیگری تعریف می‌شود و این به هویت پویایی کارگزاران و دولت‌ها برمی‌گردد.

اعتقاد رهیافت سازه‌انگاری در حوزه‌ی سیاست خارجی این است که فراسوی توزیع عینی قدرت تصور خردگرایان، تصور و تلقی کشورها از توزیع قدرت دیگران قرار دارد، این تصورات برآمده از تصور یک ملت است که آن‌ها را قادر به تعامل با محیط می‌کند. هویت به ملت‌ها اجازه می‌دهد که جهان را معنادار کند، به دسته‌بندی موجودیت‌های دیگر اقدام کنند و واقعیتی سلسله‌مراتبی بسازند که از آن خود/دیگری و دوست/دشمن تعریف شده است، این جهان ساخته شده که دارای دلالت‌های ارزشی است، اقدامات آن‌ها را نیز شکل می‌دهند. دولت نیز که برساخته‌ی اجتماعی است در این ذهنیت جمعی مشارکت دارد و جهان را در این چارچوب درک می‌کند، دوستان، دشمنان، منافع، مطلوبیت‌ها و تهدیدها را تعریف می‌کند و کنش‌های خارجی خود را شکل می‌دهد. در سایه‌ی این تعاریف است که دولت‌ها و ملت‌ها، وضعیت موجود نظام بین‌الملل را «قابل تحمل» یا «غیر قابل تحمل» می‌یابند، کشورهای دیگر در مقام دوست، دشمن و بی‌طرف دسته‌بندی می‌شوند و کنش‌های آن‌ها به‌عنوان تهدید یا الهام دوستی تلقی خواهد شد (معدنچی رسولی، ۱۳۹۶: ۳۳-۳۲).

مؤلفه‌های دفاعی سیاست خارجی ایران

بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تغییر رویکرد سیاسی-دفاعی ایران در قبال گروه طالبان در افغانستان را می‌توان در دو بعد به نظاره نشست: بعد اول وجه ساختار نظام بین‌الملل، بعد دوم وجه کارگزار در نظام بین‌الملل. با توجه به نظریه‌ی سازه‌انگاری ما شاهد تعامل دوسویه‌ی کارگزار و ساختار هستیم که این تعامل به تغییر رویکرد ایران در دو وجه سیاسی و دفاعی در خصوص گروه طالبان منجر می‌شود. برای روشن شدن بحث ابتدا به بررسی مؤلفه‌های دفاعی و سپس سیاسی در سیاست خارجی پرداخته و بعد در پی بیان این مطلب بر می‌آییم که کدام‌یک از این مؤلفه‌ها در وجه ساختار و کارگزار منجر به تغییر رفتار ایران در خصوص گروه طالبان شده است. از مهم‌ترین دغدغه‌ی دولت‌ها تلاش برای حفظ امنیت و مقابله با تهدیدات متنوعی است که حیات و بقا و یا توسعه و پیشرفتشان را به مخاطره انداخته است. از این رو تقویت مؤلفه‌های قدرت درونی و ارتقای بنیه‌ی دفاعی از اهم اولویت‌های سیاست‌گذاری دولت‌هاست. سیاست دفاعی در هر دولت برنامه‌ی جامع و مشی کلان عملیاتی در جهت تحقق چنین اهدافی است. مؤلفه‌های سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- بازدارندگی

بازدارندگی مجموعه‌ی اقدامات اتخاذی یک یا مجموعه‌ای از دولت‌ها در حفاظت از اهداف، منافع و ارزش‌های راهبردی از طریق بر حذر داشتن رقبا یا دشمنان از اتخاذ و اجرای اقدامات زیان‌آور است. جمهوری اسلامی ایران به دلایلی همچون محیط پیرامونی تنش‌زا، تجربیات تاریخی جنگ و نزاع با دولت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، تهدیدات منطقه‌ای با ماهیت فرا منطقه‌ای و رژیم‌های امنیتی برون‌گرای حاکم بر منطقه و تروریسم، بازدارندگی مؤثر و همه‌جانبه را در دستور کار خود قرار داده است (قیصری و خضری، ۱۳۹۵: ۶۳).

۲- تهدید در برابر تهدید

سیاست دفاعی هر دولت واکنشی است به تهدیدات عینی و ذهنی برخاسته از محیط امنیتی خود با توجه به اهداف، منافع، ارزش های اساسی و میزان قدرت دولت. سیاست دفاعی دارای دو کارکرد ویژه است: نمایش قدرت و استتار قدرت (کلانتری و افتخاری، ۱۳۹۳: ۸۰) در «نظام چندوجهی» جهت مقابله با «تهدیدات چندوجهی» اتخاذ راهبرد تهدید علیه تهدید امری لازم و اجتناب ناپذیر است.

۳- دفاع آینده نگر

توجه کشورها به جایگاه خود در موازنه ی قوا که منجر به برتری و افزایش چشم انداز و بقای نسبی آن ها می شود، مفهوم «دفاع آینده نگر» که مشتمل بر سرفصل های داخلی و خارجی و ابعاد منطقه ای و فرا منطقه ای و جهانی است را برای ما به ارمان می آورد. دفاع آینده نگر نوعی دوراندیشی و روشن بینی عمیق است که در قالب طرح ها و برنامه های دقیق راهبردی موجب تأمین منافع ملی کشور می شود (میر حسینی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۳). مؤلفه های این مفهوم را در موارد زیر می توان دنبال کرد:

۳-۱- دیپلماسی دفاعی

مهم ترین مشخصه ای که برای دیپلماسی دفاعی وجود دارد، توسعه ی فضای اعتماد در میان کشورهاست و از لحاظ اهداف خاص می توان به این واقعیت اشاره کرد که دیپلماسی دفاعی از طریق فرایند عملیاتی سازی آن برای ایجاد اعتماد طراحی شده است.

۳-۲- سناریو نگاری تهدیدات منطقه ای و فرا منطقه ای

در بعد سناریو نگاری تهدیدات به سه مطلب و مؤلفه باید توجه کرد: ایجاد تمدن اسلامی، راهبردهای عمومی و کلی، واقعیات و بر اساس ان نقاط ضعف و قوت را ارزیابی کرد.

۳-۳- دفاع ترکیبی

دفاع ترکیبی عبارت است از علم و هنر به کارگیری همه ی قدرت کشور در جهت دفع تهدیدات و تأمین امنیت ملی. در بعد دفاع ترکیبی باید به سه عنصر برای حفظ امنیت توجه کرد: تشکیلات نظامی و امنیتی و فنی.

۳-۴- سرعت واکنش

با توجه به سرعت تغییرات و دگرگونی‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و وابستگی راهبردی اتخاذشده به زمان، لازمه‌ی دفاع آینده‌نگر سرعت واکنش به تهدیدات و عکس‌العمل نسبت به چالش‌ها است. در این راستا دسترسی سریع نظام به هر یک از سازوکارها و ابزار سخت و نرم برای دفاع امری حیاتی است.

۳-۵- مواجهه‌ی فعالانه

مواجهه‌ی فعالانه یعنی یک نظام سیاسی با در نظر داشتن توانمندی‌های سیاسی و نظامی و با استفاده از منعطف‌ترین شیوه‌ها، تهدیدات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را به فرصت تبدیل کند تا از آن طریق به امنیت و منافع ملی خود دست یابد.

۳-۶- کاربرد راهبرد و یا تاکتیک مناسب

از مؤلفه‌های یک دفاع آینده‌نگران است که یک نظام سیاسی با توجه به دور و نزدیک بودن تهدیدها، تاکتیک‌های کوتاه و میان‌مدت مناسب جهت تأمین امنیت و منافع ملی تأمین کند (میرحسینی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۰).

مؤلفه‌های تأثیرگذار دفاعی ایران در قبال گروه طالبان

با توجه به چارچوب نظری اتخاذشده و بعد از بیان مؤلفه‌های دفاعی در سیاست خارجی حال به بررسی این مطلب می‌پردازیم که کدام‌یک از مؤلفه‌های دفاعی فوق که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد منجر به تغییر رویکرد دفاعی در قبال گروه طالبان در افغانستان شده است. ابتدا بحث را در ساختار نظام بین‌الملل دنبال کرده و سپس مؤلفه‌های تأثیرگذار در تغییر رویکرد دفاعی ایران را در بعد کارگزار نظام بین‌الملل پیگیری می‌کنیم.

ساختار نظام بین‌الملل

ساختار نظام بین‌الملل یک متغیر مستقل است که تمامی بازیگران نظام بین‌الملل در روند تصمیم‌گذاری و سیاست‌گذاری خود باید مدنظر داشته باشند تا تصمیماتشان بعد از اتخاذ به مرحله اجرا درآید و با ساختار نظام بین‌الملل منطبق باشد. این بدین معنا است که با تغییر محیط بین‌الملل، سیاست‌ها نیز تغییر می‌کند تا تأمین منافع با توجه به واقعیات جدید انجام

پذیرد، واقعیاتی که متأثر از شرایط بین‌الملل هستند و در آن برتری دولت به‌عنوان سیاست‌گذار تا آینده‌ی قابل پیش‌بینی تداوم خواهد داشت (فرجی، ۱۳۹۲: ۱).

با توجه به تشدید دشمنی‌ها از سوی نظام سلطه که هم‌زمان حاکمیت و فرهنگ، منافع و امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی را هدف قرار داده است. دفاع در برابر تهدیدات خارجی یکی از دغدغه‌های اصلی به شمار رفته و به‌منظور ایجاد بازدارندگی باید از روش‌ها و ابزارهای مختلف در جهت مقابله استفاده کرد. لزوم توجه به واقعیت‌های بین‌المللی در پی خروج امریکا از افغانستان و استفاده از فرصت‌های پیش‌آمده، خنثی شدن تهدید بالقوه ناشی از حضور امریکا در مجاورت مرزهای شرقی ایران، بالا رفتن قدرت مانور امنیتی ایران در افغانستان برای پر کردن خلأ ناشی از حضور امریکا را می‌توان در چارچوب ساختار نظام بین‌الملل از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تغییر رویکرد سیاسی-دفاعی ایران در قبال گروه طالبان دانست.

کارگزار نظام بین‌الملل

در بعد کارگزار با تأکید بر دو بازیگر ایران و طالبان بحث را ادامه می‌دهیم.

آن‌گونه که تاریخ نشان می‌دهد سرنوشت دو کشور ایران و افغانستان ارتباط وثیقی باهم دارد. در چند دهه‌ی گذشته عواملی مانند اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق، پذیرش مهاجرین و مجاهدین افغانستان در ج.ا.ا، خروج روسیه از افغانستان، ظهور طالبان و القاعده و وقوع رخداد ۱۱ سپتامبر که دستاویزی برای حمله نظامی امریکا به این کشور شد، نقش بسیار مهمی در رابطه با شکل‌گیری سیاست‌های ج.ا.ا در قبال این کشور داشته است (نوروزانی، ۱۳۹۸: ۱۳).

طی سال‌های پس از ۲۰۱۰ چرخش معناداری در راهبردها و رویکردهای بازیگران و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به طالبان رخ داده است. به‌نحوی که اغلب آن‌ها از حذف و سرکوب تمام‌عیار طالبان ناامید شده و به‌ملایمت بی‌سابقه در قبال آن‌ها روی آورده‌اند. این وضعیت جز یک معنا ندارد بلکه اکنون طالبان به این حد و اندازه از قدرت و توانمندی دست‌یافته‌اند که توانسته‌اند بر درک و فهم بازیگران تأثیر گذاشته و موجودیت خود را به‌اجبار به آن‌ها بقبولانند (صفاری، ۱۳۹۵: ۲۳۳). تغییراتی که در

سیاست‌های طالبان رخ داده است - و در ذیل به آن‌ها اشاره میشود - بر تغییر رویکرد سیاسی - دفاعی ایران در قبال گروه طالبان در افغانستان مؤثر بوده است.

- طالبان به‌عنوان قدرتمندترین جریان پشتون در افغانستان به آن میزان از درک و عقل رسیده است که در جامعه‌ی افغانستان که به سمت مدرنیته حرکت کرده است باید سهم بقیه‌ی قومیت‌ها را در نظر بگیرد (محمودی، ۱۳۹۹: ۷)
- اصرار و اقدام طالبان در گشایش دفتر سیاسی در برخی کشورها افزون بر اینکه حاصل بین‌المللی شدن طالبان است، ممکن است نشان‌دهنده‌ی ایجاد تحولات مثبت احتمالی در مبانی فکری این گروه باشد (صفاری، ۱۳۹۷: ۲۵۰)
- تمایل طالبان به مذاکره با ایران. آن‌گونه که سخنگوی طالبان مذاکرات با ایران را لازم دانسته و اظهار داشته که ما باید آینده‌ی کشورمان را با تهران در نظر بگیریم تا اقدامات مثبتی را در جهت تقویت دوستی و صلح در هر دو طرف انجام دهیم (واعظی، ۱۳۹۷: ۵)

با تأکید بر مؤلفه‌ی بازدارندگی در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به مؤلفه‌های دفاع آینده‌نگر، تغییر رفتار طالبان را می‌توان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تغییر رویکرد دفاعی ایران در قبال گروه طالبان در افغانستان ارزیابی کرد. مضاف بر اینکه طالبان فی‌نفسه چالش و تهدیدی محسوب می‌شود که سرعت واکنش و نحوه‌ی پاسخگویی ایران به آن می‌تواند تبدیل به فرصتی برای ایران شود.

مؤلفه‌های سیاسی سیاست خارجی ایران

اصول، اهداف و مؤلفه‌های سیاست خارجی هر کشور تابعی از شرایط عینی (موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک، منابع قدرت مادی شامل جمعیت و سرزمین، قدرت نظامی و توانمندی اقتصادی) و شرایط ذهنی و انتزاعی (ساختار نظام سیاسی، شخصیت و ذهنیت رهبران، ایدئولوژی و منابع قدرت نرم مانند فرهنگ) است و نظام سیاسی حاکم بر هر کشور متناسب با این عوامل عینی و مؤلفه‌های ذهنی مبادرت به تدوین اصول و اهداف و تعیین چارچوب سیاست خارجی خود می‌نماید که مختص و منحصر به آن کشور (دولت - ملت)

است. مؤلفه‌های سیاسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در شاخصه‌های زیر خلاصه کرد:

۱- منافع ملی

ازلحاظ نظری، مفهوم منافع ملی را اولین بار چارلز بیرد وارد متون تخصصی روابط بین‌المللی کرد و وی در کتاب اندیشه منافع ملی مطالعه‌ای تحلیلی در سیاست خارجی آمریکا، منافع ملی را تبلور و جلوه خارجی منافع عمومی در داخل می‌داند با این اقدام اولین تلاش جهت بررسی نظری مفهوم منافع ملی در متون تخصصی روابط بین‌الملل و سیاست خارجی آغاز شد از آن پس، مفهوم منافع ملی ابتدا دچار تحول مفهومی و سپس عدم تناسب روش شناختی و نظری شد (صالحی و رضوی مبرقع، ۱۳۹۶: ۱۴۶-۱۴۵). به نظر ژوزف فرانکل مفهوم منافع ملی از لحاظ منافع حیاتی از سپرهای سیاسی - استراتژیک قبل از جنگ جهانی دوم به سوی عناصر اقتصادی-روانشناختی-ایدئولوژیک کشیده شده است و از لحاظ مکانی، تأکید از شاخصه‌های قلمروی، مرزها و مراکز حساس سیاسی-نظامی کشور، به سوی مراکز صنعتی-تکنولوژیک-اقتصادی سوق پیدا کرده است. در ضمن، جهت این گرایش مکانی به نظر وی، از گرایش گریز از مرکز پیشین به سوی گرایش به مرکز محور تغییر یافته است از لحاظ زمان نیز عجین شدن زمان با بعضی شاخصه‌های قابل شناسایی، زمینه را برای شناسایی بعضی از شاخصه‌های ملی و یا سبک‌های ملی محافظه‌کارانه و یا رادیکال فراهم می‌آورد (همان: ۲۶۱).

۲- امنیت گرای

یکی از شاخصه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، امنیت‌گرایی و نگرانی دائمی از به خطر افتادن امنیت ملی است. «امنیت ملی» معمولاً بر اساس نگرش جامعه نسبت به ایمنی و بقای خود تعریف می‌شود. تعاریف فرهنگ‌های لغت از مفهوم امنیت بر احساس «آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است تأکید دارند. امروزه تلقی از امنیت صرفاً نظامی نیست و تهدیدات حالت نرم‌افزاری یافته است (جوادی ارجمند و چابکی، ۱۳۸۹: ۵۲)

۳- حساسیت نسبت به صلح و ثبات منطقه

یکی از اهداف کلان و پایدار کشور که از گذشته تاکنون از تداوم برخوردار بوده است، حساسیت نسبت به صلح و ثبات منطقه‌ای است. در واقع برخی از مسائل و اهداف سیاست خارجی که برآمده از وضعیت ژئوپلیتیک و تداوم تاریخی و خصوصیات فرهنگی و سیاسی و عمومی کشور بوده، پس از انقلاب اسلامی هم تداوم یافته است (جوادی ارجمند و چابکی، ۱۳۸۹: ۵۴).

۴- هژمون گرایی منطقه‌ای

دستیابی به جایگاه هژمونیک و ایفای نقش برتر در منطقه، یکی از اهداف سیاست خارجی ایران در قبل و بعد از انقلاب اسلامی بوده است. سند چشم‌انداز بر دستیابی ایران به جایگاه قدرت اول در منطقه در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، بازاریابی و نظامی و... تا سال ۱۴۰۴ ش تأکید می‌کند. (جوادی ارجمند و چابکی، ۱۳۸۹: ۴۸).

۵- جهان گرایی

سیاست خارجی دولت‌ها نشان‌دهنده‌ی نگرش آن‌ها نسبت به جایگاه خود و دیگران در محیط بین‌المللی و نقشی است که در آن محیط برای خود قائل‌اند. ایران به‌عنوان کشوری معترض نسبت به نظم بین‌المللی موجود، خواهان تغییر آن بوده است. سیاست خارجی ایران در مرزهای شرقی با رویکرد افزایش امنیت و منافع ملی همراه است از همین رو، اصول سیاست خارجی به‌ویژه در تعامل با افغانستان از اصول زیر پیروی می‌کند:

- کمک به شکل‌گیری دولت‌های باثبات و توسعه‌یافته در افغانستان؛
- توجه به ظرفیت‌های مختلف همکاری و تفاهم میان ایران و افغانستان،
- نقش آفرینی ایران به‌عنوان یک بازیگر مسئول در جهت ایجاد ثبات و حفظ توازن قدرت در سطح منطقه‌ای؛
- تلاش در جهت ریشه‌کنی مواد مخدر در هر سه مرحله کشت، تولید و انتقال، با همکاری سازمان‌های بین‌المللی و برخی کشورهای اروپایی؛
- همکاری با کشورها برای جلوگیری از گسترش افراط‌گرایی؛

- تعدیل جریان‌های افراطی مذهبی در منطقه و تقویت پیوندها با جریان‌های میانه‌رو اهل سنت؛
- تأمین امنیت مرزهای شرقی با همکاری افغانستان
- فعال‌سازی مسیر تجارت شرق به غرب (نصیر نیا، ۱۳۹۵: ۵۱).

مؤلفه‌های تأثیرگذار سیاسی در ایران در قبال گروه طالبان

بعد از بیان مؤلفه‌های سیاسی سیاست خارجی ایران، حال به بررسی این مطلب می‌پردازیم که کدام‌یک از مؤلفه‌های فوق‌الذکر به تغییر رفتار سیاسی ایران در قبال گروه طالبان در افغانستان انجامیده است. بحث را مثل گذشته با تکیه بر چارچوب نظری سازه‌انگاری پیگیری می‌کنیم و ابتدا به بررسی مؤلفه‌هایی می‌پردازیم که در وجه ساختار به تغییر رویکرد سیاسی ایران در قبال گروه طالبان در افغانستان منجر شده است.

ساختار نظام بین‌الملل

لزوم توجه کارگزاران به محیط بین‌الملل و نحوه‌ی تعامل با آن از شاخص‌های مهم سیاست خارجی هر کشوری در جهت تأمین منافع ملی و امنیت خود است. ایران به دلیل ویژگی‌های خاص سیاست خارجی خود که برگرفته از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک است، هم‌زمن گرایي در منطقه را دنبال می‌کند که این مهم باخلاف حضور امریکا در منطقه به‌خوبی و آسانی قابل محقق شدن است و البته حساسیت ایران نسبت به ثبات منطقه را نباید فراموش کرد و از این رو است که ایران در راستای امنیت و منافع خود در چارچوب ساختار نظام بین‌الملل در پی بهره‌برداری از فرصت پیش‌آمده در پی خروج نیروهای امریکا از افغانستان برآمده و با حساسیت و دقت اوضاع را رصد می‌کند.

کارگزار نظام بین‌الملل

در بعد کارگزار با توجه به طالبان و ایران به بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار در خصوص تغییر رویکرد ایران می‌پردازیم.

در بعد منافع ملی مهم ترین کار ویژه سیاست خارجی "تحقق منافع ملی با تکیه بر قدرت سخت افزاری (قدرت نظامی، قدرت اقتصادی) و به کمک قدرت نرم افزاری (دیپلماسی، مذاکره، چانه زنی)" است. که در مورد طالبان این مهم در وجه قدرت نرم برای تحقق اهداف ایران محقق شده است. در وجه امنیت ملی، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک افغانستان و مناسبات گسترده فرهنگی، نژادی، زبانی، تاریخی و مذهبی افغانستان با ایران، در کنار داشتن مرز مشترک و اسکان هزاران مهاجر و پناهنده ی افغان در ایران و روی کار آمدن طالبان، توجه به افغانستان را مسئله ای می سازد که مستقیماً امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار می دهد. (حکمت نیا، ۱۳۸۳). در بعد مؤلفه ی توجه به ثبات منطقه در سیاست خارجی ایران باید اذعان نمود که افغانستان از جمله کشورهای محوری است که ثبات و امنیت منطقه به آن گره خورده است. برگزاری اجلاس های دوره ای و یا منطقه ای باهدف تحقق امنیت و توسعه نه تنها به تقویت زیرساخت ها و دولت سازی در افغانستان می انجامد بلکه می تواند به برقراری ثبات منطقه ای منجر شود. قاچاق مواد مخدر، جنایات سازمان یافته، طالبان، ناامنی مرزها، مهاجرت های غیرقانونی و ... روندهایی است که بر امنیت ملی افغانستان و ثبات منطقه تأثیر گذارند. (هادیان، ۱۳۸۸: ۱۵۰)

جمع‌بندی

در جمع‌بندی مقاله‌ی حاضر مجدداً به سؤال مقاله بازمی‌گردیم که چه مؤلفه‌های تأثیرگذاری را بر تغییر رویکرد سیاسی دفاعی ایران در قبال گروه طالبان در افغانستان مشاهده می‌کنیم؟ هرچند سیاست خارجی جمهوری اسلامی به لحاظ ساختاری، جغرافیایی، اجتماعی-سیاسی و نوع نگرش سیاست‌گذاران و مجریان به‌نظام بین‌الملل و نقش و تأثیر بازیگران اصلی بر فرایند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی، حالتی منحصر به فرد دارد. ولی چارچوب سازه‌انگاری با تأکید بر ساختار-کارگزار، فضای مناسبی را جهت پردازش فرضیه‌ی ما فراهم می‌سازد. ابتدا با بررسی مؤلفه‌های دفاعی و سپس با بررسی مؤلفه‌های سیاسی در سیاست خارجی ایران به این نکته اشاره کردیم که کدام‌یک از این مؤلفه‌ها قابلیت تأثیرگذاری بر چرخش رفتار ایران در قبال گروه طالبان در افغانستان را دارد و بعد با آوردن شاهد مثال بر مصداق بحث افزودیم. رهیافت سازه‌انگاری با تکیه بر ساختار-کارگزار، فضایی مناسب جهت شکل‌دهی به چارچوب مورد بحث را فراهم می‌سازد. پرداختن به این موضوع از چند جهت حائز اهمیت است: عنوان جدید و به‌روزی که افکار عمومی را به‌طور اعم و ذهن پژوهشگران را به‌طور اخص به خود مشغول کرده است، ضرورت پرداختن به موضوع را ایجاب می‌کند. مضاف بر اینکه جای خالی این پژوهش با توجه به اهمیت همراهی و همسویی مردم و حاکمان مشهود است. از آنجایی که باور داشتن به حکام و لزوم تبعیت از آن‌ها از مهم‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی موفق و دولت مطلوب است، لذا پیشنهاد می‌شود که با ارائه‌ی نتایج چنین تحقیقاتی به اقناع افکار عمومی در خصوص تغییر چرخش رویکردها در سیاست‌های اتخاذی پرداخته شود.

در مجموع می‌توان مؤلفه‌هایی چون استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها در پی خروج امریکا از افغانستان و حساسیت و توجه ایران به ثبات منطقه در بعد بین‌المللی و در وجه ساختار نظام بین‌الملل، لزوم تأمین منافع و امنیت ملی ایران و به دست‌گیری ابتکار در حل مشکلات و مدیریت اوضاع از جهت سیاسی و توجه ایران به سیاست بازدارندگی در قبال گروه طالبان و با تأکید بر مؤلفه‌های دفاع آینده‌نگر از جمله دیپلماسی دفاعی و... از جهت دفاعی در بعد

کارگزار و تغییر رفتار ضمنی طالبان با درک موقعیت جهانی در وجه کارگزار دوم، را در تغییر رویکرد سیاسی - دفاعی ایران در قبال طالبان مؤثر دانست.

به عبارت دیگر فرضیه‌ی بحث مورد مطالعه را می‌توان این‌گونه بیان کرد که در وجه ساختار نظام بین‌الملل، مؤلفه‌ی سیاسی که باعث چرخش رویکرد ایران نسبت به گروه طالبان در افغانستان شده است، را خلأ وجود امریکا در منطقه در پی خروج از افغانستان و ضرورت استفاده از فرصت‌های پیش رو و به دست‌گیری ابتکار عمل در منطقه می‌توان دانست و در بعد دفاعی هم در وجه ساختار نظام بین‌الملل توجه و حساسیت ایران به ثبات منطقه و به کارگیری دیپلماسی دفاعی و مدیریت شرایط پیش‌آمده را می‌توان بیان کرد.

در وجه کارگزار نظام بین‌الملل، چرخش رویکرد ایران در قبال گروه طالبان در افغانستان را از دو منظر می‌توان به نظاره نشست. اول مؤلفه‌های سیاسی تأثیرگذار که تأکید و توجه ایران به تأمین امنیت ملی و منافع ملی است را بیان کرد و در بعد مؤلفه‌های دفاعی تأثیرگذار به ضرورت بازدارندگی که از مؤلفه‌های دفاعی سیاست خارجی ما است اشاره کرد. از آنجا که رابطه‌ی ما و گروه طالبان با سابقه‌ی دشمنی همراه بوده، لزوم توجه به راهبرد بازدارندگی را به هیچ وجه در این چرخش رویکرد نباید مورد اغفال قرار داد. مضاف بر اینکه تغییر رفتار ظاهری طالبان را نیز در بعد کارگزار و در زیرمجموعه‌ی مؤلفه‌های تأثیرگذار دفاعی در تغییر رویکرد ایران می‌توان رصد کرد.

منابع

- ارزگانی، مسیح (۱۳۹۰). افغانستان رنگین کمان اقوام، بی جا: مرکز مطالعات و میراث خراسان ازغندی، علیرضا (۱۳۸۰). سیاست خارجی ج.ا.ا، تهران: قومس
- جوادی ارجمند، محمدجواد و ام البنین چابکی. (۱۳۸۹) هویت و شاخص های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- حقیقت، سید صادق (۱۳۹۸). روش شناسی علوم سیاسی، قم: دانشگاه مفید
- حکمت نیا، حسن (۱۳۸۳). افغانستان هارتلند آسیا: نشریه پیک نور
- رضانی، روح الله (۱۳۸۰). چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی ج.ا.ا، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی
- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۸). گفتمان جهانی شدن و اسلام سیاسی در افغانستان پسا طالبان، قم: دانشگاه مفید
- صالحی، جواد؛ رضوی مبرقع، سید کاظم (۱۳۹۶)، منافع ملی در چشم انداز نظری، فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی، سال هشتم، شماره سی ام، بهار ۱۳۹۶، صص ۱۴۹-۱۲۵ صفاری، غلامعلی (۱۳۹۵). طالبان، تهران: موسسه مطالعات و اندیشه سازان نور
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۴). فرصت ها و تهدیدات و چالش های فراروی امنیت ملی ج.ا.ا ایران ۳، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
- علی آبادی، علیرضا (۱۳۹۵). جامعه و فرهنگ افغانستان، تهران: موسسه فرهنگی هنری و انتشارات بین المللی الهدی
- فرزین نیا، زویا (۱۳۸۳). سیاست خارجی پاکستان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل
- قیصری، نورالله و احسان خضری (۱۳۹۵). سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران: بررسی اسناد کلان، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی
- محمدی، زهرا (۱۳۹۹). امکان سنجی راهبردی کردن روابط با پشتون ها، نشریه مطالعات راهبردی در جهان اسلام

میر حسینی، سید محسن و ایرج رحیم پور اصل و فاطمه قیمی بشنو، (۱۳۹۷). مؤلفه های اندیشه‌ی دفاعی آیت الله خامنه‌ای (در بعد منطقه‌ای و بین‌المللی): فصلنامه سیاست و روابط

بین‌الملل

نصیر نیا، صادق (۱۳۹۵)، جایگاه پاکستان در رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان، پایان‌نامه

کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، دی ۱۳۹۵

نوروزانی کوهستانی، شهرام، (۱۳۹۸). نگرشی نو بر نقش آفرینی عوامل ژئوپلیتیکی

افغانستان، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

واعظی، طیبه (۱۳۹۷)، مذاکرات ایران و طالبان: استراتژی یا تاکتیک، نشریه دیده بان امنیت ملی

معدنچی رسولی، سمیر (۱۳۹۶)، بررسی سازه انگارانه روابط چین و ایران (۲۰۱۵-۱۹۹۵)،

پایان‌نامه ارشد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، بهمن ۱۳۹۶

هادیان، حمید، (۱۳۸۸). ضعف ساختاری دولت و ملت‌سازی در افغانستان: راهبرد ۵۱